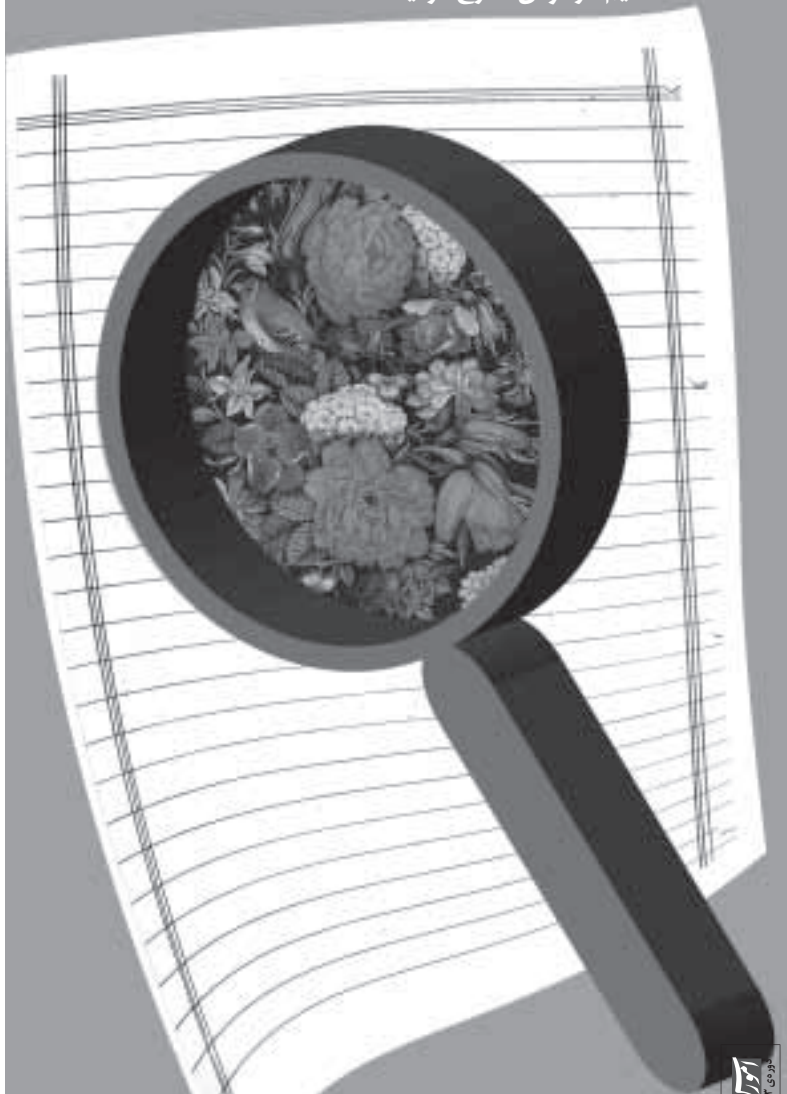




چکیده

از آن جایی که ماهیت درس دینی با ماهیت سایر دروس متفاوت است و آموزه‌های آن تمام زندگی فرد را دربرمی‌گیرد، امتحان و ارزش‌یابی آن باید به گونه‌ای باشد تا شور و نشاط لازم را در فراگیران ایجاد نماید. به همین منظور طرح سؤالات مناسب یکی از کلیدی‌ترین مسائل در این موضوع است. در این مقاله سه نمونه سؤال ارائه گردیده است. دو سؤال اول، که در قسمت اول مطرح می‌شود ناظر بر پرورش خلاقیت و ایجاد یک نگاه کلی نسبت به کتاب درسی است و سؤال سوم به منظور آگاهی از میزان تسلط دانش‌آموزان نسبت به مفاهیم هر درس مطرح گردیده است.

# پرورش خلاقیت و نوآوری از طریق ارزش‌یابی



همواره در این فکر بوده‌ام که چگونه ارزش‌یابی کنم تا به اهداف درس به‌طور کامل دست یابم و نیز در دانش‌آموزان شور و شغف برانگیزم. این موضوع به شکل یک مسئله برایم درآمده بود و گه‌گاه از خود می‌پرسیدم آیا ما ارزش‌یابی می‌کنیم یا ارزش‌گذاری؟ ارزش‌یابی چه تفاوتی با اندازه‌گیری دارد؟ ارزش‌یابی کامل‌تر است یا اندازه‌گیری؟ چرا؟

این مسائل ذهنم را مشغول کرده بود تا این‌که پس از مدتی تأمل و اندیشه دریافتم که مفهوم ارزش‌یابی؛ بسیار با معنا و زیباست. به این معنا که موضوع مورد مطالعه را هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی مورد بررسی دقیق قرار می‌دهد و از دو کلمه‌ی «ارزش» و «یابیدن» تشکیل یافته است. این کلمه مساوی با امتحان؛ آن هم از نوع پایانی آن نیست. در حالی که مفهوم اندازه‌گیری و ارزش‌گذاری به تلاش دانش‌آموز آن هم صرفاً با یک نمره‌ی کمی بسنده می‌کند

کلیدواژه‌ها: ارزش‌یابی، ماهیت درس دینی، امتحان، خلاقیت، علاقه‌مندی.

قسمت اول



را محل می‌گشتم تا این که دریافتم می‌توان با طرح **سؤالات زیبا، خلاقانه** و هم‌سو با **علاقه‌ی دانش‌آموز** این فضا را تغییر داد. به همین سبب سؤالات زیر را برای امتحان پایان سال دین و زندگی دانش‌آموزان طراحی و اجرا نمودم. البته در طول سال، همواره این موضوع را در خلال درس‌ها گوشزد می‌نمودم که امتحانات پایانی صرفاً ملاک ارزش‌یابی پایانی نیست، سؤالات آن هم از نوع سؤالات معمول نیست و ناظر به فهم و درک شما از مطالب ایراد شده در مباحث دینی خواهد بود.

در اواخر سال، تقریباً دو هفته مانده به پایان سال تحصیلی، سؤالات موردنظر را با دانش‌آموزان در میان گذاشتم و از آن‌ها خواستم تا پاسخ آن‌ها را در طول این دو هفته با فراغت کافی تهیه کنند و در روز امتحان، علاوه بر پاسخ‌گویی به چند سؤال امتحانی کوتاه پاسخ و چهار گزینه‌ای، برگه‌های مربوط به تلاش دو هفته‌ای را به آن ضمیمه کنند و تحویل دهند.

ابتداء، دانش‌آموزان باور نمی‌کردند و می‌پرسیدند آیا واقعاً امتحان شما این چنین است؟ در جواب پاسخ مثبت می‌شنیدند. همین نکته شور و شغف بسیاری برای شنیدن سؤالات و پاسخ‌گویی آن‌ها ایجاد می‌نمود، به نحوی که بعضی از فرط شادی در پوست خود نمی‌گنجیدند و با شور و نشاط آماده‌ی پاسخ‌گویی بودند.

سؤالات خود را در پایه‌ی دوم به این شرح پای تابلو نوشتم و از آن‌ها خواستم سؤالات را یادداشت کنند و طبق دستور برای امتحان عمل نمایند.

ابتدای سؤالات خود را با این جمله آغاز کردم. «من زندگی می‌کنم تا فرمانروای آن باشم نه برده‌ی آن»

۱. عناوین دروس اول تا آخر را به گونه‌ای کنار هم قرار دهید که فهم شما را از دروس بیان نماید (به شکل یک انشا، طنز، حکایت، شعر و...)

۲. عناوین سه بخش کتاب درسی (اندیشه و قلب، پایداری در عزم و در مسیر) را به گونه‌ای کنار هم قرار دهید که نشان‌دهنده‌ی فهم کلی شما از کتاب باشد.

۳. مفاهیم کلی و مهم دروس نهم تا شانزدهم را به شکل نمودار و چارت نشان دهید.

پاسخ‌های دانش‌آموزان آن‌چنان زیبا و با طراوت بود که خواندن آن‌ها را برایم بسیار شیرین می‌نمود و خستگی ناشی از تصحیح اوراق امتحانی معمول را ایجاد نمی‌کرد. چگونگی نوشتن مطالب نشان از زحمات فراوانی داشت که هر کدام از دانش‌آموزان در طول مدت سپری شده برای پاسخ‌گویی به سؤالات متحمل شده بودند. به عنوان معلم، از این که توانسته بودم بستری را مهیا کنم تا دانش‌آموزان فارغ از دغدغه‌های درسی و استرس‌های معمول، به تفکر درخصوص آموزه‌های دینی و اعتقادات خود بپردازند و با استفاده از قدرت استدلال، منطقی و عقلائیّت خود، سؤالات مطرح شده را مورد تحلیل

ابتداء،  
دانش‌آموزان  
باور نمی‌کردند  
و می‌پرسیدند  
آیا واقعاً  
امتحان  
شما این  
چنین است؟  
در جواب  
پاسخ مثبت  
می‌شنیدند.  
همین نکته  
شور و شغف  
بسیاری  
برای شنیدن  
سؤالات و  
پاسخ‌گویی  
آن‌ها ایجاد  
می‌نمود



**سعید راصد**  
کارشناس گروه دینی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتابهای درسی کتاب‌های درسی

و این که دانش‌آموز در چه مواردی قوی و در چه مواردی ضعیف است برای معلم، فراگیرنده و والدین دانش‌آموز مشخص نمی‌شود.

من باید، به عنوان یک معلم، ارزش‌ها را در وجود دانش‌آموزان جست‌وجو نمایم و تکالیف، فعالیت‌ها و امتحان‌هایم باید برای یافتن و کشف چنین ارزش‌هایی در آن‌ها باشد و شور و شغف و اشتیاق برای پاسخ‌گویی را در آنان ایجاد نماید.

از سویی دیگر موضوع دینی از نظر ماهیت، با دیگر موضوعات درسی کاملاً متفاوت است و یادگیری آن صرفاً برای کسب نمره نیست بلکه آموزه‌های آن می‌تواند یک عمر در رفتار و اندیشه و کردار فرد، اثرگذار باشد.

با توجه به توضیحات ذکر شده، مشاهده‌ی امتحانات دینی فعلی، نه تنها برایم قانع‌کننده نبود بلکه در بسیاری از موارد، پس از دیدن حال و رفتار دانش‌آموزان، برایم نگران‌کننده بود. از این‌رو، به دنبال



**با اتخاذ چنین روش‌هایی می‌توان دروس دینی را از حالت کنونی خارج کرد، و آن را بستر مناسبی برای ساخته شدن دانش آموزان، شکل‌گیری شخصیت آن‌ها و ایجاد نگرش مثبت نسبت به آموزه‌ها و فعالیت‌های دینی قرار داد.**

**نام دانش آموز: پوریا قائم مقامی، سال تحصیلی ۸۹-۸۸**

۱. انسان بعد از شناختن جلوه‌های حکمت و تدبیر خداوند می‌تواند با کاروان هستی به سوی هدفش برود. در این راه سرمایه‌های رشد به انسان داده شده و روزه‌های خطایی نیز وجود دارد که در این راه اگر انسان مسیر خود را مشخص کند به سعادت می‌رسد و پنجره‌ای به روشنایی می‌یابد و آینده‌ای روشن در منزلگاه بعدی در انتظار اوست که برای رسیدن به آینده‌ای روشن واقعه‌ی بزرگی روی می‌دهد که بعد از آن می‌توان فرجام کار خود را ببینی که کسی که بر او (خدا) اعتماد کرده و دوستی خود را با حق اعلام کرده است سعادت‌مند می‌شود.

در صدر اسلام همه دارای فضیلت آراستگی بودند ولی امروزه به خودنمایی رسیده است که باید همه در زیبایی عفاف جامعه شریک باشند و آن نظارت همگانی در کار است که به هم خوبی‌ها را سفارش کنند زیرا همه دارای هدف و مسئولیت مشترک هستند که باید برای رسیدن به آن کار کنند که در نظام اقتصادی جلوه‌ی بیش‌تری دارد.

به خدا و دوستی حق، که همان محبت به خدا و اهل بیت پیامبر است، می‌تواند جایگاه خوبی برای خود به دست بیاورد. در مقابل این سرمایه‌های رشد، خدا روزه‌هایی از خطا قرار داد تا انسان را در این دنیا بیازماید و بعضی از انسان‌ها دعوت شیطان و نفس خود را می‌پذیرند و در برابر حقایق نادانی‌هایی انجام می‌دهند. به همین جهت خدا انسان را موظف به نظارت همگانی و انجام امر به معروف و نهی از منکر کرد.

کار گوهر زندگی است و کار انسان را از گناه دور می‌کند. پس خدا برای هر انسان کاری را معین کرد تا به سمت گناه نرود و تمام فکرش متوجه آن کار باشد. انسان با انفاق بخشی از اموال خود و دادن خمس و زکات برکت زندگی خود را بیش‌تر می‌کند و برای آبادی خود و سربلندی آن مالیات‌هایی می‌دهد و این پول برای تأمین مخارج کشور استفاده می‌شود. پس خدا با توجه به اهداف هر انسان و اعمال و رفتار او در این نظام، جهان را مانند کاروانی قرار داد و هر انسان در این کاروان دارای زمان معینی برای زندگی در دنیاست که پنجره‌ای رو به روشنایی است و با مرگ او و انتخاب اهداف بزرگ به آینده‌ی روشنی که پیش روی او هست می‌رسد و با رسیدن روز قیامت واقعه و تحول بزرگی به وجود می‌آید و در آن واقعه‌ی بزرگ به اعمال انسان رسیدگی می‌شود و جایگاه [او] در جهان آخرت معین می‌شود که یا بهشتی هست یا جهنمی و در آخر کار فرجام و نتیجه‌ی اعمال و کارهای خود را می‌بیند.

**نام دانش آموز: اشکان امینی، سال تحصیلی ۸۹-۸۸**

این دانش آموز جواب‌های خود را به شکل شعر (البته در حد خودش) سروده و در شش صفحه فقط سؤال اول را نوشته است، که قسمت‌هایی از آن آورده می‌شود.

۳. مقدمه:

در این درس دین و زندگی امسال راصد بود معلم خوب و خوش حال حرف می‌زد، بحث می‌کرد عین بلبل شد درس، در دستمان مانند یک گل امتحان‌هایش بود سخت مفهومی ممکن است در امتحان بشی مرحومی ز آشنایی با ما کرد آغاز

**نام دانش آموز: علیرضا ترحمی، سال تحصیلی ۸۹-۸۸**

۲. خدا این جهان را به وجود آورد و آن را جلوه‌ای از حکمت و تدبیر خود در برابر مخلوقاتش قرار داد. هم‌چنین خدا سرمایه‌هایی در انسان قرار داد تا با آن‌ها راه خود را انتخاب کند و به آراستگی وجود خود، که نشان‌دهنده‌ی ظاهر و باطن است، بپردازد و عفاف و پوشش اسلامی باعث زیبایی ظاهری و باطنی انسان می‌شود. هم‌چنین انسان با اعتقاد

سپس خود را معرفی کرد با ناز

#### درس اول

چو درس اول ما شد آغاز  
سیب و انگور گلابی آورد باز  
ز دنیا می توان حق را خدا دید  
چون هدف را در این نظام می توان دید  
هماهنگی و همکاری و پیوستگی  
این دنیا پیش می رود با آهستگی  
وجود خداوند را می توان فهمید  
چون منظم تر از دنیا را نتوان دید  
گردش سیاره به دور خورشید خارق العاده است! آره  
پس باید ایمان بیاری کار خدا نظم داره

#### درس دوم

بعد از شناخت خدا در درس اول  
نظامها را می شناسی تو حتماً  
می آموزی از نظام طولی و عرضی  
چو در طول خدا هستی خیلی می ارزی!  
همه در طول خدا در این جهان اند  
همه نشانه های برهان اتصال اند

#### درس سوم

چو آموختی نظامها را در درس دوم  
باید تلاش کنی تو در درس سوم  
چو سرمایه های رشد داری در دست  
اگر غفلت کنی همه را می دی از دست  
می گویی از ودیعه های الهی  
تا نباشیم در آن دنیا روسیاهی  
فطرت خدا آشنا، گرایش به نیکی ها  
هستند جزئی از این سرمایه ها، ودیعه ها  
قوهی عقل و وجدان اخلاقی  
به من بگو چرا این قدر بد اخلاقی؟

#### درس چهارم

نفس اماره و لؤامه چو آمد در میان  
وسوسه گر، سرزنشگر پس نگو هر دو بیان  
گر استفاده نکنی از این سرمایه ها  
گیر می افتی در روزنه های خطا  
موانع رشد ما هستند اینها در هر زمان

نفس اماره، همان رفیق دام های شیطان  
غفلت از خدا و جهل از حقایق را که نگو  
با اینها می روی تا گردن در گناه فرو  
تو داری حقیقت با روح، نه جسمت  
دوست داری بگویم کمی از فطرت؟  
روح تو باقی ست چون «خود» ثابت است  
رؤیای صادقه مزید بر علت است  
و...

#### درس شانزدهم

فقط می مونه یه چیز دیگه، این که کار بکنی  
واسه زن و بخت جون بکنی، تلاش بکنی  
تا خدا و رسول ازت راضی بشن  
همه خانواده ات باهات تا بهشت راهی بشن  
می خواهی پول در بیاری باید بدی صدقه  
تا نداشته باشی تو در زندگی دغدغه

#### نام دانش آموز: علیرضا عالی مقدم، سال تحصیلی ۸۹-۸۸

۴. با دیدن جلوه های حکمت در دنیا و تدبیر و تحلیل و بررسی  
آن ها می توان با کاروان هستی که مبدئی به نام دنیا و مقصدی به  
نام سربلندی در آخرت دارد همراه شد و با گرفتن سرمایه های رشد  
در بین راه و نگاه از پنجره ای به روشنایی به آینده ی روشن نگاه  
کرد و به منزلگاه بعد که همان سربلندی در آخرت است رسید و در  
واقعتهی بزرگ، فرجام کار بسیار خوبی داشته باشیم و با اعتماد بر او  
و دوستی با حق و با داشتن فضیلت و آراستگی و درک زیبایی عفاف  
و گسترش نظارت همگانی از جمله امر به معروف و نهی از منکر از  
تنبلی و سستی پرهیز کرده و با کار که گوهر زندگی است از جمله کار  
در نظام اقتصادی، که به صورت اسلامی نیز هست، در آخرت جایگاه  
نیکوکاران را به خود اختصاص بدهیم به کمال و غایت نهایی برسیم  
و سربلند شویم (ان شاء الله)

#### نمونه های برگزیده از پاسخ دانش آموزان به سؤال دوم

#### نام دانش آموز: علیرضا ترحمی، سال تحصیلی ۸۹-۸۸

۱. در ارتباط با عناوین سه بخش دین و زندگی دوم می توان به  
فردی کنکوری اشاره کرد که این فرد به آینده ی خود می اندیشد و به  
خاطر این که در آینده پیشرفت داشته [باشد] با ایمانی قلبی به این  
نتیجه می رسد که باید فردی مفید برای جامعه ی خود شود و همین  
ایمان قلبی باعث می شود که پایداری در تصمیم و عزم خود پیدا کند  
و با تلاش و مطالعه ی فراوان می تواند در مسیری به سوی پیشرفت  
قرار بگیرد که در دین همین گونه است. فرد برای این که به سعادت

وقتی انسان  
تصمیم به  
انجام کاری  
می گیرد فقط  
همان تصمیم  
و صرفاً گفتن  
جدی «من  
انجامش  
می دهم»  
کافی نیست.  
انسان باید بر  
تصمیمی که  
گرفته اعتماد  
داشته باشد و  
هدف برای آن  
مشخص کند





برسد، تصمیم به انجام اعمال نیکو و دوری از وسوسه‌های شیطان و نفس خود می‌کند و به این که دنیای دیگری وجود دارد و خدا این دنیا را فقط برای آزمودن ما خلق کرده است، توجه می‌کند، که با انجام این کارها در مسیر رسیدن به روشنایی قرار می‌گیرد و سعادتمندانه به مقصد نهایی یعنی جهان آخرت می‌رسد. در آن جا به اعمال او رسیدگی می‌شود و جزای اعمال خود را می‌بیند.

### نام دانش‌آموز: سعید علیجانی، سال تحصیلی ۸۹-۸۸

۲. انسان در ابتدای هر عمل و تصمیمی که می‌گیرد فکر و اندیشه‌ای در درون فکر و ذهن خود دارد و با تفکر به این پی برده است که چه کاری را باید انجام دهد. عنصری دیگر هم وجود دارد که در ابتدای تصمیم‌گیری با عمل به آن به انسان جهت می‌دهد و آن قلب انسان است. اندیشه و قلب، انسان را یاری می‌کنند تا تصمیمی که می‌خواهد بگیرد، بگیرد. گاهی مواقع اندیشه بر قلب و گاهی مواع قلب بر اندیشه تسلط می‌یابد و جهت‌دهی آن بیش‌تر است. مثلاً وقتی جوانی عاشق می‌شود (عشق دنیایی) کم‌تر از عقل او برایش تصمیم می‌گیرد تا قلب او. اما به‌طور مثال: فردی که مشغول کار است از عقل خود بیش‌تر استفاده می‌کند و عقل بیش‌تر به او فرمان داده و فرمانش عملی‌تر است. انسان باید تصمیم درست را بگیرد و طی شرایط مختلف تصمیم خود را تغییر ندهد.

وقتی انسان تصمیم به انجام کاری می‌گیرد فقط همان تصمیم و صرفاً گفتن جَدِّي «من انجامش می‌دهم» کافی نیست. انسان باید بر تصمیمی که گرفته اعتماد داشته باشد و هدف برای آن مشخص کند. اما باز هم این کارها کافی نیست. انسان باید علاوه بر انجام این دو کار برای رسیدن به هدف خود، آن تصمیم را تا مرحله‌ی عملی شدن پیش برد (پایداری در عزم) و در راه و مسیر به بهترین نحوه به آن عمل کند و نگذارد مواعی مانع حرکت او شوند. باید پایدار به مسیر خود ادامه دهد تا به مقصد برسد، مانند دانه‌ای که در خاک کاشته می‌شود، باید به آن توجه داشت که دانه سالم بوده باشد، در عمق مناسبی کاشته شده باشد و این که به آن دانه ایمان داشته باشی که سبز می‌شود و به بار می‌نشیند و در راه رشد کردن آن باید به آن آب و کود دهی و در مقابل نور خورشید قرار دهی تا بتواند رشد کند و به هدف اصلی‌اش که رشد و سبز شدن دانه است برسیم.

با دیدن  
جلوه‌های  
حکمت در  
دنیا و تدبیر  
و تحلیل و  
بررسی آن‌ها  
می‌توان با  
کاروان هستی  
که مبدئی  
به نام دنیا و  
مقصودی به  
نام سربلندی  
در آخرت دارد  
همراه شد



### نام دانش‌آموز: علیرضا عالی‌مقدم، سال تحصیلی ۸۹-۸۸

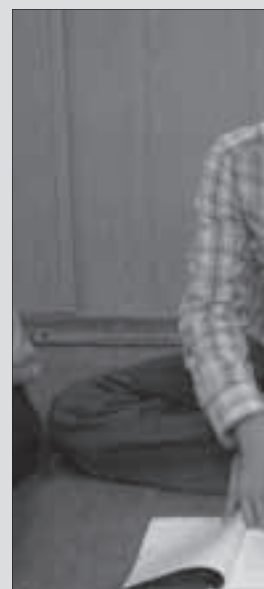
۳. ما می‌توانیم عناوین این فصول و ترتیب این عناوین را به مراحل تبدیل خمیر در یک نانوائی به نان تشبیه کنیم به این‌گونه که می‌توان گفت: همان‌طور که برای آماده کردن نان سه مرحله‌ی



درست کردن خمیر، قرار دادن در تنور و در مرحله‌ی سوم خارج شدن از تنور و آماده شدن نان برای مصرف را طی می‌کنیم، اندیشه و قلب همان آماده کردن خمیر نانواپی است. پایداری در عزم، همان ماندن در تنور و تحمل گرما و حرارت است و در مرحله‌ی سوم قدم در مسیر، همان طبخ مناسب و حرارت دیدن به اندازه است که موجب خوش‌پختی و خوش‌مزگی نان می‌شود. در هر کدام از این مراحل چنانچه مرحله‌ی موردنظر خوب و درست طی نشود نان حاصل شده به لحاظ عدم رعایت نکات لازم در آن مرحله، بی‌کیفیت شدن و بی‌ارزش شدن آن را در پی دارد. نان‌های بی‌کیفیت و فطیر هم‌چون انسان‌هایی هستند که مراحل زندگی (پخته شدن آدمی) را به خوبی طی نکرده‌اند و نان‌های با کیفیت و گران‌قیمت، آن‌هایی هستند که لحظه‌لحظه‌ی عمرشان را به خوبی سپری کرده و نهایت استفاده را از آن برده‌اند.

زمانی که پاسخ دانش‌آموزان را می‌خواندم در دل آن‌ها را تحسین می‌کردم و برای این‌که بتوانم این نحوه‌ی امتحان را کامل به ثمر برسانم علاوه بر دادن نمره‌ی کامل، به اکثر دانش‌آموزان، سعی کردم متناسب با حال هر یک بازخوردی ارائه دهم که در عین تشویق و توجه به شایستگی‌های کارشان، آن‌ها را نسبت به نقاط قوت و ضعفشان آگاه کنم که ذیلاً به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

دانش‌آموزان با دیدن نظرات داده شده پیرامون کارشان بسیار خوش‌حال شدند و از این‌که مطالبشان دقیقاً خوانده شده بود ابراز رضایت و خرسندی می‌کردند. البته به تعدادی از دانش‌آموزان، که دقیق‌تر از بقیه نوشته بودند، جوایزی نیز اهدا گردید.



ردیف	نام	نام خانوادگی	بازخورد
۱	محمد حسین	انصاری	دسته‌بندی‌ات اگرچه خلاصه ولی خوب بود - انشای عناوین دروس با انتخاب کتاب زندگی و طرح سؤال جالب بود - در عناوین دروس، اگرچه خوب نوشته شده است، ولی خلاقیتی مشاهده نمی‌شود.
۲	اشکان	امینی	شعر دروس را که در شش صفحه نوشته‌ای برایم بسیار جالب بود - نمی‌دانم در ارتباط با تو و تلاشت چه بگویم و رقه‌ی زارع را که خواندم به خود و تلاش او بالیدم. برگه‌ی تو را که دیدم در زیبایی و ابتکار و معنا منحصر به فرد بود و نیاز نبود که بگویی چه قدر وقت گذاشته‌ای که کار خود بگویی چه اتفاقی افتاده است.
۳	علی اصغر	حسینی	از اظهارنظر محبت‌آمیزت نسبت به کلاس ممنونم. تلاش بسیار خوبی از خود به نمایش گذارده‌ای، چارت‌های درست، زیبا و دقیق بود؛ انشا عناوین دروس را خوب به هم ربط داده و نتیجه‌گیری خوبی از خود نشان داده‌ای آفرین - لذت بردم.
۴	عرفان	سیف	قصه جوان و پادشاه و متصل کردن سه بخش کتاب به بهترین نحو ممکن انجام شده است. به گونه‌ای که انسان از خواندن داستانت لذت می‌برد و به درک و فهمت درود می‌فرستد. بقیه‌ی مطالب را هم که به صورت شعر و چارت درآورده‌ای بسیار عالی و زیبا بود. درود. چه خط زیبایی داری.